



مروری بر مجادله های جدی اهالی فوتبال به بهانه حاشیه های اخیر عربشاهی و پیروانی

رینگ مستطیلی سبز

ماز بار حکاک - در هفته ای که گذشت ماجرای شکایت افشین پیروانی و شلاق خوردن ضیاء عربشاهی (بنا به ادعای خودش) نقل تمام محافل بود؛ البته این ماجرا صرفا یک دعوای حقوقی نبود و با کشیده شدنش به رسانه ها، برگ جدیدی از حاشیه های تلخ در فوتبالمان را رقم زد. حتی عربشاهی که مدعی بود به خاطر مصاحبه علیه پیروانی به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده است و حاضر به پرداخت جریمه نقدی به ازای حکم هم نبود، گفت کاری می کند پیروانی در ایران نماند! در همین اوضاع و احوال ماجرای شکایت قلعه نویی از کاپیتان سابق تیم ملی دوباره مطرح شد تا جایی که تکونام هم در اینستاگرام پستی جنجالی و عجیب گذاشت و سرعیا پاک کرد که بسیاری آن را بی ربط با ماجراهای اخیر نمی دانستند و حتی توهین مسلم به قلعه نویی تلقی کردند. مدت هاست که دیگری اخلاقی در فوتبال ما محدود به زد و خورد در زمین، مصاحبه بعد از بازی و فحاشی از روی سکوها نمی شود؛ بلکه دعواهای دنباله دار و اختلاف نظرهای جدی که گاهی ختم به احکام قضایی می شود هم به آن اضافه شده است. جالب این که مورد آخر یعنی شکایت و دادگاه، به جای حل دوستانه اختلاف نظر ها، معمولاً توسط افرادی انجام می شود که از جایگاه ویژه ای نزد طرفداران برخور دار هستند و گاهی حتی تحصیلات بالایی هم دارند. جریان این ماجراها یا ماجرای فساد و پحران های بی شماری که همواره فوتبالمان با آن درگیر است، فرق می کند، چون در مورد فسادهای پشت پرده پای دلال و... در میان است؛ اما در مورد این اختلاف نظر های کش دار دو طرف ماجرا بزرگان فوتبال مملکت هستند و مسئله از جنس مسائل فرهنگی است که همیشه در فوتبالمان مغفول مانده است و معلوم نیست چه کسی برای علاجش اقدام می کند و آیا اصلا کسی وجود دارد که این موضوع دغدغه اش باشد یا نه؟! در سال های اخیر حضور برخی فوتبالی ها در دادگاه و حتی زندان، فوتبال دوستان را رنجیده خاطر کرده است. این موضوع برای نسل جدید فوتبال ایران می تواند به یک ناهنجاری تبدیل شود چرا که آن ها می بینند که حتی برخی بزرگان این رشته هم کمترین احترامی برای هم قائل نیستند، بنابراین شاید در آینده ای نه چندان دور با پیشی گرفتن همین رویه مدل های جد بدتر و به مراتب بدتری را شاهد باشیم. به بهانه اتفاقات اخیر مروری داریم بر اختلاف نظر های بر حاشیه در فوتبال کشورمان که قطعا تعدادش خیلی بیشتر از این حرف هاست اما در حد بضاعت صفحه به آن پرداخته ایم. از آنجا که در چنین ماجراهایی گاه نامی از علی دایی، امیر قلعه نویی و محمد مایلی کهن به چشم می خورد به این سه شخصیت به صورت جداگانه پرداخته ایم که البته این به معنای قضاوت در مورد هیچ کدام از این شخصیت ها در ماجرای درگیری دو نفره شان نیست!



تاج از انور قاسمی

«مرتضی محمص» مدرس فیفا در گفت و گو با «زندگی سلام»:

اخلاق در وضعیت بحرانی است



مجید حسین زاده- موضوع بی حرمتی برخی فوتبالیست ها و مربیان به یکدیگر طی چند سال اخیر که در برخی موارد به طرح شکایت رسمی انجامیده، آن قدر تکرار شده است که کم کم دارد طبعی می شود. انگار باید عادت کنیم که هر چند وقت یکبار، شاهد دعوای دو مربی یا بازیکن در زمین فوتبال یا خارج از این زمین سبز باشیم. در این باره به سراغ چند چهره با اخلاق فوتبال کشورمان رفتم که بعضی ها در دسترس نبودند و برخی هم بنا به دلایلی حاضر به مصاحبه نشدند. در این بین «مرتضی محمص»، کارشناس و آنالیزور با اخلاق فوتبال کشورمان با ما همکلام شد و گفت: درباره اختلافات آقایان عربشاهی و پیروانی، باید گفت که این دو نفر سال های سال برای باشگاه بزرگی به نام پرسپولیس بازی کرده اند، عضو تیم ملی بوده اند و حتی در عرصه مربیگری نیز در کنار هم بوده اند بنابراین از نظر سابقه دوستی شاید کمتر بازیکنانی را با چنین شرایطی پیدا کنیم اما رسانه ای شدن چنین مشکلاتی بین فوتبالیست ها که در چند سال اخیر تا حدودی رایج هم شده، از چند نظر قابل توجه است. البته در این مورد خاص و با توجه به درایتی که از این ۲ بازیکن سراغ دارم، امیدوارم هرچه زودتر مشکلاتشان رفع شود.

✎ در الگوسازی مشکل داریم

محمص در باره ریشه چنین رفتار هایی گفت: به نظر من زمانی که ۲ نفر نمی توانند با هم صحبت کنند و یکدیگر را درک نمی کنند، با هم دعوا می کنند. در دعوا هم شروع می کنیم به بدگویی کردن، تهمت زدن، شکایت کردن به صورت قانونی و به طور کلی شکستن حرمت طرف مقابل. مشکل اصلی ماندداشتن الگوهای مناسب در جامعه فوتبال است. به طور کلی برای پیشرفت اصولی در هر حرفه ای به الگوهایی مناسب نیاز است در غیر این صورت، پشیرت تضمین شده نیست.

✎ اهمیت پیروزی از اخلاق بیشتر شده است

محمص در ادامه صحبت هایش به اهمیت آموزش رفتار حرفه ای در فوتبال به ویژه از تیم های پایه اشاره کرد و گفت: وظیفه همه تیم های لیگ برتر این است که به خصوص برای تیم های پایه شان قبل از این که نگران بحث کیفی آن ها باشند، به دنبال آموزش اخلاق حرفه ای به آن ها باشند و روی این مسئله با جدیت برنامه ریزی کنند. به نظر می رسد که این مشکل بی احترامی به پیشکسوت، داور، تیم حریف باید از همین مقطع تیم های پایه به صورت ریشه ای حل شود. با این حال من وظیفه کنترل چنین مسایلی را بر عهده باشگاه های ورزشی می دانم چرا که آن ها آن قدر پیروزی در مسابقات برایشان مهم است که به بسیاری از مسایل اخلاقی پشت کرده اند و حتی آن را زیر پا گذاشته اند.

✎ رسانه ها به دنبال آسیب شناسی نیستند

محمص وضعیت فعلی را بحرانی دانست و گفت: بی حرمتی های فوتبالیست ها اصلا جالب نیست ولی نه رسانه ها به دنبال آسیب شناسی این قضیه هستند و نه مسئولان مرتبط با این موضوع در فوتبال کشورمان این موضوع را پیگیری می کنند. باید بگویم که اگر از امروز به فکر نباشیم با بحرانی در این حوزه روبه رو خواهیم شد چرا که رایج شدن چنین بی اخلاقی هایی نشانه وضعیت بحرانی آن است و فردای بسیار سختی برای کنترل جوان های فوتبالیمان خواهیم داشت.

✎ انتقاد می تواند سازنده هم باشد

این مدرس برجسته فیفا گفت: نداشتن اخلاق حرفه ای باعث می شود تا بعضی فوتبالیست ها و مربیان تحمل شنیدن نظرات مخالف را نداشته باشند وواکنش های صد در صد هیجانی در برابر انتقادها نشان دهند در صورتی که انتقادها همیشه به نیت تخریب مطرح نمی شود بلکه می تواند سازنده هم باشد.

✎ به جای اصل خبر به دنبال چرایی آن باشیم

محمص در نهایت علت ماجرا را چنین توصیف کرد: من فکر می کنم که مسئله بی اخلاقی ها و شکسته شدن حرمت ها در فوتبالمان، هر روز بدتر از دیروز می شود. دلیل این موضوع هم کاملاً مشخص است؛ چون با بی تفاوتی از کنار این موضوع ها می گذریم. همه پیگیر اصل خبر هستند و فردی به دنبال چرایی آن نیست. به طور مثال بازیکنی را تصور کنید که به دلیل پر خاشگری در یک مسابقه اخراج می شود، باشگاه او به جای این که دلائل بروز چنین رفتاری را از بازیکنش جویا شود و برای اصلاح او برنامه ریزی کند، به دنبال وساطت برای بخشیده شدن محرومیت بازیکنش می رود! در پایان تأکید می کنم که اگر امروز هم نسبت به این موضوع بی تفاوت باشیم، سال آینده در این حوزه مشکلاتمان بیشتر خواهد شد و کنترل شرایط سخت تر از امروز خواهد بود.

شهریار و حاشیه هایش



نشد که رسانه ای شود و انعکاس بدی در جامعه داشته باشد. هرچند در مواردی اختلاف های ریشه دار با دیگران ای علنی شد، مثل:

✎ دایی و پروین

ماجرای اختلاف دایی و پروین بعد از لیگ سوم و پیوستن دایی به صبا علنی شد. آن زمان دعوای لیدر ها با برادران دایی باعث شد پروین مصاحبه تندی را علیه دایی انجام دهد. وی گفت: «دایی عددی نیست که بخواهیم درباره اش تصمیم گیری کنیم». بعد از آن هم دایی که همراه با تیم ملی ایران به رقابت های جام ملت های چین رفته بود، گفت: «بگذارید من به تهران برسم، تاج و تخت آقایان را خراب می کنم!» خلاصه آن دعوا مثل همیشه با آشتی کنار غیر طبیعی در فوتبال ایران به پایان رسید اما دوباره در سال ۹۲ جلسه منتشر شد، پروین به شاگرد سابقش گفته شد. در قایل صوتی که بعد ها از این جلسه منتشر شد، پروین به شاگرد سابقش گفته بود: اگر اینجا نبود در ستم می کردم و دایی هم سلطان را تهدید کرده بود که حتی توجه هایش را هم آدم می کند!

✎ دایی و شیت رضایی

زمانی که در لیگ ۸۶-۸۵ دایی به عنوان بازیکن و سرمربی سایپا آخرین فصل فوتبالش را پشت سرمی گذاشت، اتفاقات عجیبی در بازی این تیم با پرسپولیس رقم خورد. روی یک ضربه کرنر دایی با شیت رضایی که او هم بد طولایی در بی اخلاقی های فوتبالی داشت، درگیر شدند و این درگیری به بیرون از زمین هم کشیده شد. این دعوا تا مدت ها ادامه داشت تا این که دایی سرمربی شیت شد و مثلاً صلح و صفا برقرار شد اما چند وقت بعدش دایی، شیت را از پرسپولیس اخراج کرد.

✎ دایی و کاشانی

درگیری فیزیکی علی دایی با یکی از لیدرهای پرسپولیس، شروع اختلاف جدی او با جایی کاشانی مدیرعامل باشگاه بود. دایی پیش از آن با کفاشیان هم اختلاف عمیقی داشت منتها چون در روزهای خانه نشینی و بعد از اخراج کرانچار موفق و خوشنام توسط کاشانی به پرسپولیس آمده بود، انتظاری می رفت هیچ وقت با کاشانی به مشکل نخورد یا حداقل ظاهر امر را رعایت کند اما در یک برنامه ۹۰ طولانی به ماجرای او و کاشانی پرداخته شد و میلیون ها بیننده شاهد حرف هایی از جانب دو طرف بودند که اعجاب برانگیز بود.

عمومایلی وارد می شود



محمد مایلی کهن جسارت قابل تحسینی دارد، اختلافاتش با دیگر فوتبالی ها معمولاً به خاطر گفتن آن چیزی است که مایلی کهن مصلحت فوتبال ایران می داند حالا چقدر او در مصادیق افشاگری هایش درست عمل می کند به کنار، اما کمتر دیده شده است که مایلی کهن به خاطر منافع شخصی به کسی گیر بدهد، با این حال آن چه جلوه ماجرا را ناپسند می کند کش دادن ماجراست. ضمن این که مایلی کهن در بیان حقایق، ادبیات بسیار تندی هم دارد.

✎ مایلی کهن و علی دایی

شاید بتوان درگیری های کلامی آنها را مهم ترین دعوای تاریخ فوتبال ایران دانست. دایی و مایلی کهن بارها در مصاحبه های خود علیه یکدیگر موضع گیری های تندی کردند و حتی پای مسائل خانوادگی و دختر علی دایی هم به ماجرا کشیده شد. پول پرست، پناه گو، آقا قلدر، جاهل، نادان، خودشیفته، متکبر، الگوی تام کروز و برادیت، گدا، کینه توز و جاه طلب القابی بود که مایلی کهن در بیانیه آتشین آبان ۱۳۸۹ خود علیه دایی به کار برد و البته آقای گل فوتبال ملی دنیا نیز در مقام دفاع از خود مطالبی را علیه مایلی کهن مطرح کرد. بیانیه صادر کردن و گفته های این دو، تا جایی پیش رفت که محمد مایلی کهن به دلیل شکایت دایی در زندان اوین محبوس شد. به هر حال دایی رضایت داد و مایلی کهن از زندان آزاد شد. دایی علت رضایت دادش را شادی دل نوه های مایلی کهن اعلام کرد.

✎ مایلی کهن و قلعه نویی

حواشی ایجاد شده روی سکوها ورزشگاه آزادی در دیدار هفته ۲۳ لیگ هشتم بین تیم های استقلال تهران و سایپا و فحاشی علیه سرمربی سایپا باعث شد وی پس از پایان این دیدار در بیانیه ای جنجالی از قلعه نویی به عنوان عامل اصلی تحریک تماشاگران نام برد و وی را با القابی همچون «گروهبان قندلی»، «شعبان بی مخ»، «نوجه پور»، «کوتوله»، «عوام فریب» و... خطاب کند. این مسائل آتشی در روابط قلعه نویی و مایلی کهن انداخت و کار را به جایی رساند که این دو چهره ویژه فوتبالی به دلیل صحبت علیه هم در دادگاه حاضر شدند.

✎ مایلی کهن و فردوسی پور

این که محمد مایلی کهن از منتقدان جدی کارلوس کی روش است، بد نیست اما این که او در ماجرای ماندن کی روش و تعریف از او، رسانه ها را خائن می داند از آن دست اتفاقات عجیب است. مایلی کهن حتی در برنامه نود در ابتدای صحبتش به عنوان کارشناس تلفنی به فردوسی پور لقب «کی روشی پور» داد که این سبک توهین در برنامه زنده با مخاطب چند میلیونی تا مدت ها نقل محافل بود.

در باره فوتبالی هایی که بین هدف و نتیجه رفتارشان تفکیکی قابل نیستند

نام های بزرگ و نادیده گرفتن هنجارهای لازم و رایج جامعه

سید مصطفی صابری- هنوز سوت شروع بازی زده نشده، بازیکنان دو تیم دست در دست هم وارد زمین می شوند، به سمت نیمکت هم می روند و گل می دهند و گل می گیرند و رخصت می طلبدند. بعد هم مدام تکرار می کنند که از تماشاگران می خواهیم فقط تیم های خودشان را تشویق کنند و به داور و بازیکن حریف کاری نداشته باشند. سوت زده می شود و ورق برمی گردد، با اولین اشتباه داور، با اولین برخورد فیزیکی، لب خوانی بازیکنان نشان می دهد به توصیه های شان خطاب به تماشاگران پایبند نیستند، مشق زدن و یقه گرفتن و فحاشی و... به بد هم خیلی از رفتارهای غلط به پای تعصب به تیم و عشق به هوادارانی که نتیجه می خواهند نوشته می شود، سال بعد اما با کمی تغییر در صفر رقم قرارداد معادل عوض می شود، نه عشق به رنگ پیراهن تیم یاد کسی می ماند نه جدال همیشگی با حریف، اما همه این ها مربوط به بازیکنان نسبتاً معمولی است که انتظار زیادی از آن ها نمی توان داشت. حکایت چهره های شاخص فوتبالی و پیشکسوت متفاوت است. انتظار از آن ها بیشتر است و ادعای خودشان هم بیشتر است و بدتر این که بیشتر هم توی دید هستند و مخاصمه شان هم سر اشتباه داور در اعلام یک اوت نیست، چون آن قدر هم ریشه دار و حیثیتی می شود که با تغییر صفرهای قرارداد امکان فراموش کردنش برای خود اشخاص و هوادارانشان وجود ندارد. اگر دعوای فوتبالیست های معمولی درون زمین به سکوها سرایت می کند اختلاف ریشه دار بزرگان فقط تیفوسی های داخل ورزشگاه و لیدرها را به جان هم نمی اندازد بلکه تبدیل به پدیده ای اجتماعی می شود که همه علاقه مندان به فوتبال و گاهی تمام کسانی را که به نوعی اخبارش را پیگیری می کنند، متاثر می کند. وقتی ملی پوش پیشکسوت یا مربی قدیمی فوتبال به خاطر شکایت فردی کوچک تر از خودش به زندان می افتد و خیرش هم پخش می شود احتمالاً مخاطب این اخبار سر یک دعوی آپارتمانی مفهوم بخشش را در ذهنش مرور نمی کند. وقتی منفعت و مصالح شخصی در رفتار این ورزشکاران که قرار است الگو باشند حرف اول را می زند از نوجوانی که در طول روز ساعت ها فوتبال داخلی و خارجی می بیند نمی توان انتظار داشت که سعه صدر داشته باشد چون فوتبالی ها را در حدی که هستند و چایگاهی که باید به جامعه معرفی نکرده ایم. به هر اتفاقی حوال آن ها دامن زده ایم و از این که آن ها مثل آدم های معمولی و حتی بیشتر اشتباه می کنند کمتر گفته ایم. حتماً هر کدام از طرفین اختلاف ها و دعوایی که در مطلب امروز ذکر خیرشان!! شد دلایلی برای کارشان دارند اما متأسفانه این بزرگان فوتبال بین هدف از رفتار و نتیجه رفتار چندان تعریف و تفکیکی قائل نیستند، هدف هر کسی می تواند دفاع از خودش، از حشش و از حقیقت باشد اما نتیجه رفتارش می تواند نادیده گرفتن خیلی از هنجارهای رایج و لازم جامعه باشد.

ژنرال در میدان نبرد

امیر قلعه نویی ویژگی خاصی دارد، معمولاً با بازیکنان بزرگ استقلال به مشکل می خورد، از رحمتی بگیرد تا تکونام، آندو و... اما مسئله این جاست که این مشکلات از دایره مباحث فنی و اختلاف نظر فوتبالی خارج می شود و حرمت ها می شکند. قلعه نویی با دو مربی سابق خود یعنی ناصر حجازی (در استقلال) و محمد مایلی کهن (سرمربی وقت تیم ملی)هم مشکلات دنباله داری داشت.

✎ امیر قلعه نویی و ناصر حجازی

استاد و شاگرد در برهه ای از حضور خود در استقلال به اختلاف رسیدند تا جایی که مرحوم حجازی در مصاحبه ای اعلام کرد شاگرد ناخلف من به مذاکره با بازیکنان تیم روه رو قبل از هر مسابقه می پردزد. این کدورت ها تا اواخر عمر حجازی ادامه یافت. حتی این ماجراها مدتی به سکوها هم کشیده شد. هنوز که هنوز است خانواده حجازی دل خوشی از قلعه نویی ندارند و بعضاً در مصاحبه هایشان به این موضوع اشاره می کنند.

✎ امیر قلعه نویی و مجتبی جباری

مجتبی جباری نیز از کسانی بود که نمی توانست نظراتش را درباره قلعه نویی در دل نگه دارد و بارها علیه وی صحبت کرد. وی یک بار در مصاحبه ای اظهار کرد: « بالا بردن قلعه نویی با یک قهرمانی ظلمی است که ما به فوتبال می کنیم نباید قلعه نویی را آن قدر بزرگ کرد، اگر او بزرگ بود پس چرا در آسیا با استقلال ناکام ماند.»

✎ امیر قلعه نویی و جواد نکونام

اختلاف بین کاپیتان سابق تیم ملی و سرمربی سابق استقلال سبب شد نکونام در مصاحبه ای جنجالی علیه قلعه نویی دست به افشاگری زند و اتهامات سنگینی را به وی وار کند. کاپیتان تیم ملی مدعی شد: قلعه نویی به اندازه پیراهنش افتخار ندارد. از آن سو هم قلعه نویی جواب نکونام را داد و گفت که کفاشیان پادرمیانی کرد تا جواد به تیم استقلال بپیوندد و او اصلاً از اول این بازیکن را نمی خواست است! همین عامل دلیلی شد تا این دو نفر چند باری در دادگاه حاضر شوند و هنوز هم این ماجرا ادامه دارد.

✎ امیر قلعه نویی و صمد مرفاوی

پس از جدایی امیر قلعه نویی از استقلال در پایان لیگ هشتم، صمد مرفاوی دستیار همیشگی وی سرمربی گری استقلال را به عهده گرفت. اتفاقات دیدار برگشت سپاهان و استقلال در لیگ نهم، به شعله ور شدن اختلاف بین این دو رفیق قدیمی منجر شد و صمد مرفاوی در یکی از مصاحبه های خود در آن فصل بیان کرد: «من ژنرال هستم، نه امپراتور. خیلی هانمی خواستند من در این تیم بمانم ولی به دنبال جایگاه خودم بودم، در حالی که عده ای نمی گذاشتند کار مرا انجام دهم.»

الباقی دوستان!

✎ ضیاء عربشاهی و افشین پیروانی
آخرین نسخه از بد اخلاقی های فوتبالی در کشورمان است. ضیا عربشاهی می گوید به خاطر شکایت پیروانی متحمل ۵۰ ضربه شلاق شده است. در حالی که پیروانی طی بیانیه ای اعلام کرده که از طریق کیلش از این کار صرف نظر کرده است. جالب این که در مدرکی هم که ازسوی عربشاهی منتشر شده است تشکیک وجود دارد. گویا کل ماجرا به مصاحبه عربشاهی علیه پیروانی برمی گردد.

✎ بازیکنان ملوان علیه نصرت ایراندوست

چند سال قبل قبول کردن سرمربی گری ملوان از سوی نصرت ایراندوست پس از مدت ها دوری و نتایج ضعیف ملوانی در هفته های لیگ چهاردهم به تقابل اخلاقی بازیکنان و سرمربی ملوان منجر شد. بازیکنان قوی سپید انزلی اعتقاد داشتند ایراندوست بهره ای از اصول مربی گری نوین نبرده است و خواستار تغییر وی بودند.

